

گفتگوی رشد هنرجو با پیام صدری

پرتاب به سوی موفقیت!

یک پسر هنرستانی که زمانی دوست داشت فوتبالیست شود. اما مربیانش به او گفتند هیچ وقت فوتبالیست خوبی نخواهد شد! با این حال پیام صدری به کمک یک مربی خوب، استعداد خود را در رشته های پرتابی دوومیدانی مثل پرتاب چکش کشف کرد و آن گاه در هنرستان فرصت کرد تا بیشتر ورزش کند. با این قهرمان بیشتر آشنا می شویم.

🗨️ از هنرستان بگو. چرا برای ادامه تحصیل وارد هنرستان شدی؟

تا قبل از ورود به هنرستان، همیشه در مدرسه عضو تیم های ورزشی بودم و در مسابقات شرکت می کردم؛ از فوتبال گرفته تا هندبال، والیبال و بسکتبال. با ورود به هنرستان جدی تر تمرین می کردم و بیشتر وقتم با ورزش پر می شد.

روزهای زیادی نمی توانستم به مدرسه بروم؛ چون صبح ها تمرین داشتم. البته سعی می کردم جبران کنم تا از درس جا نمانم. پیش خودم فکر می کردم هنرستانی ها به لحاظ درسی آزادترند و برای همین هنرستان را انتخاب کردم.

🗨️ از همان ابتدا رشته تربیت بدنی را انتخاب کردی؟

در ابتدا رفتم رشته حسابداری، اما معلمانم می گفتند: جای تو در زمین ورزش است نه در مدرسه حسابداری! لاقل در رشته تربیت بدنی درس بخوان که به کارت مربوط باشد!

این طور شد که به تربیت بدنی رفتم. الان از این انتخابم خیلی راضی هستم. خواندن این رشته، حتی در ورزش هم، می تواند کمک زیادی باشد. مهم تر اینکه بیشتر بچه های رشته تربیت بدنی ورزشکار بودند و حتی تعدادی ملی پوش هم داشتیم. بودن در کنار این افراد، انگیزه تمرین و مسابقه را در انسان بالا می برد.

🗨️ از اولین عنوان های خودت بگو.

حدود چهارماه از ورودم به ورزش دوومیدانی گذشته بود که مسابقات انتخابی استان تهران با حضور ورزشکاران مناطق تهران برگزار شد و من در بخش جوانان، با رکورد (حدنصاب) حدود ۱۰ متر، در رشته پرتاب وزنه اول شدم. حس خوبی داشتم، زیرا در فوتبال و دیگر رشته ها، رسیدن به عضویت در تیم استان، شرایط سخت تری داشت. اما در مسابقات

🗨️ پیام از خودت و خانواده ات بگو. تو در خانواده استشنا بودی یا ورزش در خانواده ات ارثی است؟

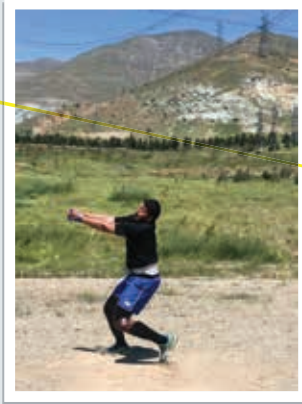
پیام صدری هستم. در ۲۹ مرداد سال ۱۳۷۸ در کرمانشاه و در خانواده ای ۵ نفره متولد شدم. پدرم کارمند بود و من پسر دوم خانواده هستم. یک برادر بزرگ تر از خودم و یک خواهر کوچک تر دارم. پدرم قبلاً ورزش می کرد. او با چند رشته آشنایی دارد. چندسالی هم سابقه دوومیدانی دارد. پدرم از ابتدا اعتقاد داشت دوومیدانی مادر تمام رشته های ورزشی است. او بیشتر از دیگران مرا به ورزش تشویق کرد. برادرم هم تمرین های متعددی انجام می داد. حتی به همراه من برای تمرین کردن به ورزشگاه شیروودی می آمد. اما شرایط کاری و زندگی اجازه ورزش حرفه ای را به او نداد. البته همین حالا هم رشته بدنسازی را به صورت حرفه ای دنبال می کند.

🗨️ از ابتدا به دوومیدانی رو آوردی یا رشته های دیگری را هم تجربه کرده ای؟

در ابتدا چندسالی دنبال ورزش فوتبال بودم. به رشته های تویی علاقه زیادی داشتم، ولی یک روز صحبت های مربی فوتبالم، نظر و در نتیجه آینده ام را عوض کرد. او به پدرم گفت، فیزیک بدن این پسر به فوتبال نمی خورد. چندان دلخوش نباشید که در فوتبال به جایی برسد! برای فوتبالش وقت نگذارید!

🗨️ چطور وارد رشته های پرتابی شدی؟

همراه پدرم به ورزشگاه شهید شیروودی رفته بودیم. مربی بسیار ماهری به نام حسین نثاری به محض دیدن من گفت، پسر بیا اینجا ببینم. متولد چه سالی هستی؟ خیلی زود گفت در رشته های پرتاب استعداد خوبی داری. با هم رفتیم داخل زمین ورزش. ورزشکاران زیادی را نشانم داد و گفت این ها همه هم سن شما هستند، اما جثه تو از همه اینا بزرگ تر است و راحت می توانی با استفاده از فیزیک بدنی ات قهرمان شوی.



می‌کنیم تا در مجموع، ظرف دو دقیقه، پرتاب‌های خود را انجام دهیم. به همین خاطر لازم است تمرین‌هایمان منظم و سخت و دقیق باشند.

📌 آیا در طول این سال‌ها با شکست و خطرات

تلخ هم روبه‌رو شده‌ای؟

وقتی برای حضور در مسابقات نونهالان کشور راهی زنجان شدم، می‌گفتند اگر رکورد (حدنصاب) ۱۴,۲۰ را به دست بیاوری، ان‌شاءالله قهرمان می‌شوی. من هم با امید قهرمانی وارد این مسابقات شدم. هرچند ورزشکاری با هیکل درشت را دیدم که در رقابت به رکورد (حدنصاب) ۱۸ متر رسید.

آن روز با وجود رسیدن به رکورد (حدنصاب) مورد نظرم، نفر چهارم شدم و این به شدت ناامیدم کرد. البته بعدها معلوم شد نفرات بالاتر از من سنشان غیرقانونی بود و اصلاً نباید در این مسابقه شرکت می‌کردند. پدرم همواره به من می‌گوید، تو اول راه هستی. منتظر باش شکست‌های بزرگ‌تر هم بخوری و باز هم بعد از آن به مسیرت ادامه دهی.

📌 تو در حال حاضر از بهترین پرتابگران ایران

هستی. شاید ورزشکاران زیادی دوست داشتند در ورزش

مثل تو باشند، اما شکست‌ها آن‌ها را ناامید کردند. برای

آن‌ها چه توصیه‌ای داری؟

به نظر من شکست کمک می‌کند راه برنده‌شدن و فوت و فن و ریزه‌کاری‌ها را یاد بگیریم. بعد از هر شکست سعی می‌کردم به جای ناراحت شدن، ایرادها و اشکالاتم را بررسی کنم و از آن‌ها درس بگیرم. به همین خاطر، هر شکست، در عین ناراحت‌کنندگی، جذابیت خود را دارد و انگیزه‌مرا بالا می‌برد. در مسیر رسیدن به هدف، باید جنگجو بود.

حضرت علی (ع) می‌فرمایند:

هرکه نهایت تلاش خود را برای رسیدن به هدف به کار گیرد، به تمام خواسته‌هایش می‌رسد.

(غزیر الحکم حدیث ۱۲۵۰)



پرتاب وزنه به آسانی به‌عنوان عضو تیم استانی انتخاب شدم. یک ماه بعد در مناطق کشور در جوانان با رکورد (حدنصاب) ۱۱,۹۰ متر سوم شدم.

📌 در اولین مسابقات خود نگرانی نداشتی؟

چرا، نگران بودم و می‌گفتم اگر خطا کنم چه می‌شود؟! اما کم‌کم دیدم اگر تمرین‌ها را درست انجام بدهم، میزان خطا خیلی کم می‌شود. ما سال‌ها تمرین